



تحلیل الگوی بهینه چگونگی تشکیل شوراییها در چارچوب روش‌های انتصابی یا انتخابی (مورد پژوهی: شهر یزد)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

احسان لشگری

استادیار جغرافیا سیاسی، دانشگاه یزد Ehsanlshgari80@yahoo.com

محمد حسین سرایی

دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد Msaraei@yaduni.ac.ir

مجتبی غفورزاده

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد Ghafurzadeh.m@gmail.com (مسئول مکاتبات)

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: تحلیل الگوی مدیریتی شهری مناسب در قالب شوراییها و ویژگی‌های این نوع مدل در سطح شهرهای مختلف کشور، به ویژه انتصابی بودن شوراییار یا انتخابی بودن آنها، مسئله‌ای است که هنوز به صورت مدون مورد بررسی قرار نگرفته است. از آنجایی که تاکنون الگوی شوراییار در برخی از شهرها مانند شهر یزد هنوز به صورت عینی شکل نگرفته است؛ می‌توان ادعان نمود که دغدغه‌ی اصلی مدیران شهری در سطوح مختلف تعیین چارچوب تشکیل در قالب‌های انتصابی یا انتخابی می‌باشد. این پژوهش در راستای بررسی چگونگی تشکیل شوراییار در سطح شهر یزد و ارزیابی آن در چارچوب دو روش انتصاب یا انتخاب گام برمی‌دارد. لذا این پژوهش به دنبال تطبیق الگوهای انتخابی و انتصابی شوراییار و تبیین الگوی بهینه در شهر یزد می‌باشد.

روش پژوهش: روش این پژوهش براساس هدف کاربردی و براساس ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد، جمع‌آوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و پیمایشی صورت گرفته است. جهت تحلیل داده از آزمون آماری تی تست در نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها: دو الگوی اجرایی شورای محلات در شهرهای تهران و مشهد از نظر هدف یکسان بوده و در راستای جلب مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر گام برمی‌دارند؛ اما از آنجایی که شرایط هر شهر از نظر ساختار اجتماعی-فرهنگی، مدیریتی و ... متفاوت می‌باشد، لذا می‌بایست از طریق انتخاب معیارهایی بومی و متناسب با هر شهر، الگوی بهینه جهت عضوایی، تشکیل و اجرای شورای محلات را مشخص نمود. بنابراین با توجه یکسان بودن هدف و از سوی دیگر تفاوت در اجرای و تشکیل این نهاد محلی، می‌توان از تجارب مشابه الگوهای اجرا شده استفاده نمود و همچنین، در جهت تطبیق هر چه بیشتر الگوی مورد نظر با شرایط و ساختار هر شهر می‌بایست معیارهایی بومی را جهت تعیین الگو بهینه مشخص نمود.

نتیجه گیری: نتایج بیانگر این است که با توجه به تحلیل الگوهای انتخابی و انتصابی در تعیین اعضاء شوراییار و نظرسنجی از شهروندان و مدیران شهری در شهر یزد، مناسب ترین الگو در شهر یزد الگوی انتخابی است. به طور کلی در ابعاد اجتماعی با الگوی انتخاب مشارکت بیشتر شهروندان قابل پیش بینی است، از دیدگاه شهروندان حالت انتخابی در تشکیل شورای محله مقبولیت نهادی بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: مدل مدیریت شهری، روش‌های انتخابی یا انتصابی، الگوی بهینه، شوراییارها، شهر یزد

۱- مقدمه

بررسی انواع نظام‌های مدیریت شهری و روش‌های انتخاب شهردار و شورای شهر در شهرهای مختلف کشورها مبین تنوع مدل‌های مدیریت شهری در هر یک از کشورهاست. نحوه انتخاب شهردار و عوامل دیگری چون مدل مدیریت شهری، منشور شهری، نوع نظام کلان (فدرال، متمرکز و غیره) و قوانین ملی و منطقه‌ای مرتبط با حکومت‌های محلی، اثر تعیین کننده‌ای در وضعیت حکومت‌های محلی و قدرت نهادهای مدیریت شهری دارد (نظریان و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). بر اساس اصل اول قانون اساسی، حکومت ایران جمهوری اسلامی است و بر اساس اصل ششم قانون، امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی و از راه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد، اداره شود. بر طبق اصل هفتم، شوراها یعنی مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر آن از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند (احمد آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۶). از آنجا که مشارکت مدنی در ایران با شکل‌گیری شوراها، اسلامی نمود عینی تری پیدا کرد و به تدریج به عنوان یک حق در جامعه مطرح گردید، تشکل‌ها، انجمن‌های محلی و شورایی‌ها، حلقه ارتباطی میان مدیریت محلی و شهروندان هستند که در واقع به تمرین مشارکت مدنی در سطح محلی می‌پردازند و زمینه لازم جهت توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ساکنین در حل مسائل و چالش‌ها در سطح محلی را در نظام مدیریت شهری فراهم می‌آورند (ازکیا و جاجرومی، ۱۳۸۴).

اعطای اختیار تصمیم‌گیری در امور محلی به شهروندان، یکی از چالش‌های همیشگی انواع نظام‌های سیاسی- حقوقی بوده است، توسل به سبک اداری عدم تمرکز که موجب تقویت روحیه ابتکار و بهبود مشارکت عموم شهروندان در اداره‌ی امور کشور می‌شود، همواره با مشکلات و مسائلی مختلفی مواجه بوده است، شوراها و انجمن‌های محلی، مهم‌ترین ابزارهای اعمال سبک اداری مذکور تلقی می‌شوند که نحوه تشکیل، شیوه توزیع اختیارات و وظایف میان آنها و مجالس قانون‌گذاری ملی و چگونگی ارتباط‌شان با مقامات و دستگاه‌های اجرایی، از جمله سؤالات بنیادین مطرح در خصوص این نهادهاست (عامری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱). به طور کلی نظام مدیریت شهری در یک تحول کلی از نظام متمرکز و ساختار از بالا به پایین به سوی نظام مشارکتی و از پایین

به بالا حرکت کرده است و به تبع آن نقش لایه‌های خرد اجتماعی و نهادهای محلی در این سطح بیش از پیش آشکار گردیده است (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱). اما امروزه ثابت شده که این نوع برنامه ریزی کارآمدی مناسب دارد، زیرا این برنامه ریزی غیر متمرکز، با همکاری و مشارکت مردم که ذی نفعان اصلی برنامه ریزی هستند انجام می‌شود (شادمان فر، ۱۳۸۹: ۲). به همین منظور، امروزه برای حل مشکلات شهری، اتخاذ سیاست‌های برنامه ریزی مشارکتی و مردمی ضروری می‌نماید (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱). از این رو مدیران شهری که وظیفه و هدف اصلی آن‌ها ساماندهی مشکلات و ایجاد تعادل در نظم اجتماعی می‌باشد (مصطفی پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۹)، بیش از پیش از شیوه‌ی مشارکت مردمی در حل مشکلات و ارتقای شاخص‌های مختلف زندگی شهری استفاده می‌کنند (حسین لو و آقایی، ۱۳۹۲: ۲). مشارکت شهروندان در امور شهری، باعث افزایش درک و آگاهی آن‌ها از مسائل می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). از طرف دیگر بدیهی است که مردمانی که سالیان سال در یک شهر یا منطقه زندگی کرده‌اند، بهتر از هر کسی نیازهای آن مکان را شناخته و تشخیص می‌دهند (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲).

این موضوع در ایران با شکل‌گیری شوراهای اسلامی و سپس با تشکیل تشکل‌ها، انجمن‌های محلی شورایی‌ها، محلات و... اجرایی شد. در چند سال گذشته، شورایی‌ها به عنوان نهاد جدید اجتماعی اتصال دهنده بدنه مدیریت شهری با شهروندان در جهت ایجاد و تقویت جامعه مدنی و شکل‌گیری اجتماعات محله‌ای، نقش آفرین بوده‌اند (توکلی نیا و استادی سیسی، ۱۳۸۸: ۲۹-۴۳). شورایی‌های محلات، حلقه ارتباطی میان مدیریت شهری و شهروندان هستند که در واقع به تمرین مشارکت مدنی در سطح محلی می‌پردازند (ازکیا و ایمانی جاجرومی، ۱۳۸۴: ۲۶-۶۴). در واقع هدف از تشکیل شورایی‌ها، تشکل‌ها و سازمان‌های اجتماع محور و سایر نهادهای مرتبط؛ شکل‌گیری شبکه گسترده‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی، ایجاد همدلی و اعتماد، ایجاد حس تعلق شهروندی، ایجاد فضای مشارکت فعال و در نهایت تشکیل و افزایش سرمایه اجتماعی است (یاری حصار، ۱۳۹۰: ۴۵). به طور کلی شورایی‌ها به عنوان یک مدل مشارکتی در راستای جلب مشارکت بیشتر شهروندان در اداره امور شهر مطرح گردیده است. از جمله مواردی مهمی که در ارتباط با نهاد شورایی‌ها مورد بحث می‌باشد، چگونگی عضوایی

این نهاد محلی در قالب روش های انتخابی و یا انتصابی اعضای آن می باشد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ویژگی های دو روش مذکور در تشکیل نهاد شورایی و تبیین الگوی بهینه آن با توجه به شرایط شهر یزد می باشد.

۲- بیان مسئله

انتخاب نوع مدل مدیریت شهری، بازتابنده ی نگرش حاکم بر تنظیم روابط شورا و شهرداری و مهم تر از همه، بیانگر میزان مشارکت و قدرت اجرایی است. یکی از گفتمان های مهم در تعیین مدل مدیریتی برتر، تعیین چگونگی اداره ی شهر و قرارگیری قدرت در دست مدیران شهری و شهروندان است. مدل اداره ی شهر رابطه ی نزدیکی با حل یا ایجاد مسائل شهری دارد. شورایی ها طی دو دهه ی اخیر به عنوان مدل حکمروایی غیر متمرکز در اداره امور شهرهای ایران مطرح شده است.

مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در حیطه ی مدیریت شهری، منجر به بهبود کیفیت مدیریت و مولفه های تاثیر گذار بر امر مدیریت شهری می شود از این رو، مدیریت شهری ناگزیر در مشارکت دادن شهروندان در امر مدیریت شهری است که از یک سو باعث بهبود مدیریت شهری و از سوی دیگر، به ارتقاء کیفیت خدمات شهری می انجامد. شهر یزد، به عنوان یکی از قطب های صنعتی کشور، با رشد سریع شهرنشینی در چند دهه اخیر مواجه بوده است. وجود مشکلات و معضلات حاکم بر ساختار مدیریت شهری شهر یزد، لزوم بررسی و اولویت بندی دیدگاه های نظری مدیران شهری در خصوص رفع و کاهش آن و تلاش برای ایجاد بستر مناسب برنامه ای برای هماهنگی و انسجام عملکردی بین سازمان ها و دستگاه های دست اندر کار توسعه شهری را آشکار کرده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). تفاوت در میزان همبستگی و تعلق شهروندان به محل زندگی و همچنین تنوع بافت اجتماعی - فرهنگی در جوامع سنتی و نوین را می بایست در برنامه ریزی های مشارکتی بیش از پیش مورد توجه قرار داد. با توجه به اینکه شورایی ها به عنوان مدل مدیریت مشارکتی شهرها، در جهت زمینه سازی مشارکت شهروندان در سطوح پایین بویژه محلات مطرح شده، می بایست در مرحله ای استقرار و چگونگی تعیین اعضای آن به مسائلی چون بافت اجتماعی - فرهنگی و تعلق شهروندان و ساختار درونی محلات هر شهر توجه

داشت. چگونگی تشکیل و تعیین اعضای شورایی ها از موضوعاتی است که تاکنون به صورت مدون مورد بررسی قرار نگرفته است، به نحوی که در برخی از شهرها ساختار تشکیلاتی و اجرایی آن با مشکلات گسترده ای مواجه شده است. در این زمینه می توان به تجربه شهر مشهد که در مراحل اولیه تشکیل شورایی در زمینه ی نحوه ی تعیین اعضای شورایی و تشکیل آن با مشکل مواجه شدند، و از سوی دیگر، شهر تهران که از ابتدا با برگزاری انتخابات شورایی ها تشکیل شده، اشاره نمود. این امر یعنی چگونگی انتخاب اعضای شورایی ها مزایا و مشکلات متفاوتی را به دنبال داشته است. بنابراین می توان گفت در صورتی که در مراحل اولیه تشکیل و تعیین اعضای شورایی؛ به چگونگی تعیین اعضای هر ساختار درونی محلات و بافت فرهنگی - اجتماعی هر شهر توجه کافی نشود، این طرح با شکست روبرو خواهد شد. و علاوه بر عدم موفقیت در جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

الگوی های مختلف در زمینه ی چگونگی انتخابات یا انتصابات در مدیریت شهری طی دوره های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است و مدل شورایی، به عنوان مدل مدیریتی غیر متمرکز که در سطح برخی شهرهای ایران اجرا شده، در این پژوهش مورد توجه قرار می گیرد، سپس با رویکرد تطبیقی، به تحلیل الگوی های فعلی مدیریت شهری در چارچوب انتخابی یا انتصابی بودن شوراییان پرداخته می شود، پس از تطبیق و تحلیل کارکرد هر یک، به این پرسش که کدام یک از الگوهای انتخابی یا انتصابی در مدیریت شهری در چارچوب شورایی ها، می تواند پاسخگوی مسائل و مشکلات مدیریت شهری یزد باشد، پاسخ داده می شود. در نهایت از طریق بررسی تطبیقی عملکرد و نتایج استفاده از مدل های کارآمد مدیریتی در شکل شورایی ها و یا شورای اجتماعی محلات در سطح شهرهای کشور، می توان به الگوی بهینه و بومی جهت تشکیل و چگونگی تعیین اعضای شورایی ها متناسب با شرایط اجتماعی - فرهنگی و مدیریتی هر شهر دست یافت. از این رو، با توجه به ساختار فعلی مدیریتی محلات شهر یزد و حضور معتمدین و اثرگذاران محلی در برخی محلات بویژه در بافت قدیم و همچنین پیشینه ی تاریخی شهر یزد به نظر می رسد الگوی انتصاب اعضای جهت تعیین اعضای شورایی ها مناسب و راهگشا باشد.

۳- پیشینه پژوهش

در زمینه مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و امور محله بویژه مبحث شورایی‌ها در دهه اخیر پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌شود. تفاوتی که این پژوهش با پژوهش‌های پیشین دارد علاوه بر بررسی محدوده مورد مطالعه در ابعاد مختلف مشارکت و همچنین ارتباط مشارکت با متغیرهای دیگر، در زمینه‌ی نحوه‌ی تعیین اعضا شورایی در قالب دو الگوی انتخابی یا انتصابی بودن شوراییان است. از جمله مطالعات مرتبط با موضوع در سطح داخلی و خارجی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۱- تحقیقات داخلی

- حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی جامعه شناختی تاثیر توسعه محله محوری در اداره کلانشهر تهران پرداخته که روش تحقیق آن به صورت کیفی با روش گراندد تئوری است. نتایج بیانگر اینکه از بین ۴۴ واحد مطالعاتی ۳۰ نفر به آینده این طرح امیدوار بوده و معتقدند که سرای محله از بطن تغییرات اجتماعی شهر تهران حاصل شده و ایرادات آن در طول اجرای طرح برطرف خواهد شد، اما ۷ نفر دیگر معتقدند که بایستی طرح با کار کارشناسی بیشتر اجرا می‌شد و ۷ نفر دیگر به کل طرح محله محوری انتقاداتی دارند. یکی از نکات قابل توجه مدیران محلات و شورایی‌ها، عدم تناسب فرهنگی مردم محلات است. عالی پور (۱۳۹۴) در پژوهشی با توجه به اینکه نظام حقوقی انتخابات در ایران بر سه پایه‌ی اصل‌های قانون اساسی، گزاره‌های قانونی و رویه‌های انتخاباتی بنیاد گرفته است و این سه خاستگاه در طول هم جای می‌گیرند معتقد است که سنجش ثبات و ارزش نظام حقوقی انتخابات در گرو پیوند طولی این سه منبع است، ولی این پیوند با سنجش‌های حقوقی روشن نمی‌شود. از این رو قانون اساسی مشروعیت مقام‌ها و منصب‌ها و نیز اعتبار کارها و امور را در گرو انتخابات می‌داند. و همچنین رویارویی انتصاب در برابر انتخاب در ساختار سیاسی و اجرایی یک جامعه چالش نگران کننده ای نیست مگر اینکه انتصاب بر انتخاب بچربد یا انتصاب پیامد طبیعی انتخاب نباشد. در این حال انتصابات بیگانه از انتخابات یا حتی نیرومندتر از آن، چهره مردم سالاری را کمرنگ می‌کند، حتی اگر انتخابات گسترده یا چندگانه برگزار شود. در پژوهشی دیگر رضایی و همکاران (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیده اند

که مشارکت پذیری شهروندان یزدی، در سطح متوسط بوده که تغییرات آن با استفاده از عواملی نظیر جنسیت، وضعیت شغلی، سابقه سکونت در محله و علاقه آن تبیین می‌شود و از راهبردهای آن می‌توان به استفاده از مشارکت جاری و مستمر افراد در پروژه‌ها و طرح‌های توسعه، برگزاری جلسات مدیران شهری با شهروندان اشاره نمود. شمعی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با تاکید بر مدیریت محله در سطح محله جماران، ناحیه چهارم، منطقه یک تهران براساس گروه گرای، حس تعلق، سرمایه اجتماعی، تعاملات اجتماعی، احساس هویت پرداخته اند که نتایج بیانگر این است که میزان مشارکت در محله جماران در سطح پایینی بوده، در حالی که تمایل به مشارکت در سطح بالایی می‌باشد. از دیگر پژوهش‌های می‌توان به مصطفی پور و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد که نتایج پژوهش آنها بیانگر اینکه کارآفرینی اجتماعی، تلاشی هدفمند و سیستماتیک است که امکان دستیابی به توسعه‌ی پایدار را از طریق بکارگیری ظرفیت نهادهای مردمی نظیر شورایی‌ها ممکن می‌سازد و نتایج آن هم در وضعیت فعلی شهروندان به ویژه در سطح خرد و محله، خود را نشان می‌دهد.

۳-۲- پیشینه خارجی

- کاردناس و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی که درباره مدیریت توسعه مشارکتی محله محور در فیلیپین انجام داده اند به چند اصل برای تحقق آن اشاره می‌کند. ۱. بسیج نیروهای محله و ظرفیت سازی، ۲. برنامه ریزی مشارکتی، ۳. عملیاتی کردن مشارکت، ۴. نظارت و ارزیابی مشارکتی، ۵. آسان سازی تعاملات درون محله. در پژوهشی دیگر سالتزستین و همکاران (۲۰۰۸) با مقایسه دیدگاه‌های رفورمیستی و مقایسه‌ی استراتژی‌های مدل دولت کلانشهری امریکایی و انگلیسی، معتقدند که مدل انگلیسی دولت محلی شهری، حزبی، سیاسی و در سیطره احزاب پیروز و حکومت مرکزی می‌باشد و به همین دلیل شفافیت و حساب پس دهی و اقتدار مدنی محدود می‌شود، اما در الگوی امریکایی دولت محلی، غیرحزبی، مدیریت تخصصی و حرفه‌ای و کارآمد می‌باشد. از این رو رهبران رفورمیستی بریتانیا و جنبش‌های اجتماعی شهروندی به دنبال استفاده از الگوی شهری ایالات متحده در بریتانیا هستند. بلای (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی مشارکت و

مسئولیت حکومت‌های محلی دموکراتیک^۱ در چند کشور پرداخته است. وی بیان می‌دارد که دولت‌ها در سطح محلی می‌توانند تبدیل به بیشترین پاسخگو به خواسته‌های شهروندان و موثرترین در ارائه خدمات باشند. در ادامه دو موضوع مشارکت و پاسخگویی را مورد بررسی قرار داده که نتایج آن بیانگر این است که هر دو موضوع تأثیر معناداری بر روی ارتقاء حکومت‌های محلی دموکراتیک خواهند داشت.

۴- مبانی نظری

۴-۱- ساختار سیاسی و اجرایی انتخابات و انتصاب در ایران

انتخابات برجسته‌ترین ابزار نیروی شهروندان جامعه و بهترین شیوه نمایش مردم سالاری است که با مقررات‌های الزام آور به طور طولی و هرمی ضابطه مند می‌شود. در بالای این هرم، قانون اساسی جای دارد که چارچوب کلی نظام انتخاباتی را نشان می‌دهد و سپس نوبت به قانون عادی می‌رسد تا به طور جزئی به گزاره‌ها و شیوه‌های انتخابات بپردازد. در گام سوم، مقرره‌های فوقانونی به میان می‌آیند تا به طور شکلی زمینه‌های اجرایی شدن قانون عادی را فراهم می‌سازند. این ساختار هرمی در حوزه‌های گوناگون به چشم می‌خورد و پایه نظام حقوقی همان حوزه را می‌سازد. با آنکه بخشی از مقام‌های کلیدی و پیشه‌های بنیادین پیش بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه انتصاب استوار است، ولی سنگینی ترازوی در دست گرفتن مقام‌ها و پیشه‌ها سرانجام به سوی انتخاب است. رویارویی انتصاب در برابر انتخاب در ساختار سیاسی و اجرایی یک جامعه چالش نگران کننده ای نیست مگر اینکه انتصاب بر انتخاب بچربد یا انتصاب پیامد طبیعی انتخاب نباشد. در این حال انتصابات بیگانه از انتخابات یا حتی نیرومندتر از آن، چهره مردم سالاری را کمرنگ می‌کند، حتی اگر انتخابات گسترده یا چندگانه برگزار شود (عالی پور، ۱۳۹۴: ۶۴). بدین حال، نخستین هدف انتخابات این است که بر انتصابات چیره شود و تعیین سمت و سوی قدرت به جای آنکه در دست کس یا گروهی ویژه باشد در دست شهروندان و نمایندگان آن‌ها جای می‌گیرد. برتری انتخاب بر انتصاب همچنان به دست نمی‌آید اگر انتخابات آزاد، قانونی و بی طرفانه نباشد. بود انتخابات به تنهایی برای مردم سالاری کارساز نیست، به راستی انتخابات همانند قانون به خودی خود دارای ارزش نیست. همچنان قانون باید دادگرانه باشد،

انتخابات نیز باید آزاد و فراگیر باشد. اگر انتخابات کنترل شده و ناآزاد برگزار شود، همچنان این انتصاب است که بر انتخاب می‌چربد؛ زیرا قدرت انتصاب به هر میزان بیشتر باشد، نیروی کشش آن بیشتر می‌گردد و انتخاب را به سوی خود می‌کشاند. در این حال، انتخاب به گونه ای انجام می‌گیرد که انتصاب به آن جهت می‌دهد (همان: ۶۴).

به طور کلی در بخش فوق ساختار سیاسی و اجرایی نظام انتخابات و انتصاب در سطوح کلان و رویکرد مدیریت متمرکز را نمایان می‌کند. اما با توجه به این طی دو دهه‌ای اخیر رویکرد مدیریتی به سمت مدیریت غیرمتمرکز و جلب مشارکت شهروندان در تصمیم گیری‌ها از سطوح پایین با بالا در جریان بوده است، لذا نهادهایی در این راستا شکل گرفته است. از جمله می‌توان به نهاد شورایی به عنوان مدل مشارکتی که در راستای عدم تمرکز مدیریتی و اداری تشکیل شده است. که از طریق تعیین افرادی در سطوح محلی شکل گرفته و به عنوان پل ارتباطی بین سطوح بالا (مدیران و سیاستگذاران شهری) و سطوح پایین (شهروندان) نقش آفرینی می‌کند. از جمله مباحثی که به ذهن می‌آید نحوه‌ی تعیین اعضای این نهاد محلی می‌باشد که به نوعی به یکی موضوعات چالشی تبدیل شده است.

۴-۲- بازشناسی مفهوم شورایی

انجمن شورایی، انجمن غیر دولتی، غیر متمرکز، غیر سیاسی، داوطلبانه و مشارکتی و از جهت اقتصادی خود گردان می‌باشد. شورایی‌ها نهادهای غیر دولتی و غیر سیاسی و داوطلبانه و محله ای هستند که به منظور ایجاد بستری برای شکل گیری ارتباط و تعامل سازنده و فراگیر بین ساکنین محدوده‌های محلی با یکدیگر از یکسو و با تشکل‌ها و نهادهای مردمی از سوی دیگر به وجود می‌آیند (داودی و یحیی پور، ۱۳۸۸: ۱۵). به عبارت دیگر شورایی‌ها یک نهاد مردمی هستند که عملاً نقش نظارتی در محلات و مناطق را دارند و انگیزه تشکیل آنها، بستر سازی مشارکت مردم را در اداره امور شهر و پل ارتباطی مردم با شوراها، شهرداری‌ها و سایر نهادهای دولتی هستند. و هدف کلی از طرح چنین مسئله ای در نظام مدیریت شهری را می‌توان خلأ جدی مشارکت شهروندان و تمرکززدایی از ساختار و فرآیند مدیریت شهری دانست (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۱۰).

۳-۴- ضرورت وجودی شورایاری در نظام مدیریت محله

زیرساخت‌های موجود اجتماعی که محصول و معلول اداره متمرکز قدرت‌ها بوده اند رکن شورا را مهجور، ناکارآمد و مدفون کرده است. به همین دلیل می‌توان اولین رسالت تعریف شده را برای توسعه اداره شورایی در جامعه شناسایی این عوامل و زیرساخت‌ها و چاره جویی برای ایجاد و تحول در آنها به تناسب ظرفیت‌های اجتماعی دانست (دانشی خوشبو، ۱۳۴۹: ۲۰). از این رو رویکرد محله گرایی و مدیریت محله‌ای و واگذاری امور محله به خود مردم و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت در شهرها و به ویژه در شهرهای بزرگ، بسیاری از مشکلات در اداره شهرها را از پیشرو برمی‌دارد. از سوی دیگر، حضور افراد بومی موجب استحکام محله‌ها می‌شود، زیرا این افراد با مشکلات محلی آشنایی کافی دارند که می‌توانند در ارتقای سطح فرهنگی و خدمات رسانی در محلات متمرکز شوند. شورایاری‌ها کوچکترین هسته مشارکت شهروندان در یک جامعه دموکراتیک برای دخالت دادن مردم در مشکلات خود هستند.

در حال حاضر نیز درون مایه اصلی اصلاحات نظام مدیریت شهری کشور محقق کردم حاکمیت شهروندان است که با به رسمیت شناختن تشکلهای مدنی مانند شورایاری‌ها میسر خواهد شد. از این رو ضرورت وجودی چنین نهادی را می‌توان در موارد ذیل دنبال نمود (داودی و یحیی پور، ۱۳۸۸: ۱۶):

- شورایاری‌ها نهادهایی برای ترمیم و اصلاح نابرابری‌های موجود در توزیع خدمات محلی
- کاهش تصدی‌گری و صرفه جویی‌های اقتصادی و انسانی با سپردن امور محلی به شورایاری
- خلق فرصت مناسب و بسترسازی جهت مشارکت شهروندان و تسهیل رفع مشکلات خرد
- عرصه‌ی طرح مسائل نو و بروز خلاقیت شهروندان در حل چالش‌ها و مسائل محلی
- ارتقا آگاهی، توانایی و مهارت‌های شهروندی مردم و ایجاد حس اعتماد و اطمینان از مدیریت شهری

۴-۴- الگوی‌های تشکیل شورای محله در ایران الف- الگوی انتخابی مدیریت شهری غیر متمرکز: شورایاری‌های شهر تهران

پس از بررسی پیشینه‌ی شورای محله در کشور ایران در دوره‌های اخیر و تغییر و تحولات صورت گرفته

در چارچوب و نحوه‌ی تعیین اعضاء آن، در سال ۱۳۷۸ الگوی جدیدی از شورای محله تحت عنوان نهاد شورایاری‌ها در شهر تهران به عنوان نمونه مطرح شده و سپس تشکیل و اجرا شد. در بخش زیر مراحل تحول طرح‌های مشارکتی در شهر تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- در تهران، پایتخت به ۲۰ منطقه و ۳۴۱ محله‌ی ۱۰ هزار نفری تقسیم شد. هویت موکلان هر محله می‌بایست ۵ نماینده از میان افراد امین، باتقوی و مشتاق به کار را انتخاب کرده تا پس از آن از سوی امام جماعت مسجد محل مورد تایید قرار گیرد. پس از این موارد تشکلهایی برای مشارکت در تهران شکل گرفت که در زیر عناوین آنها را مشاهده می‌کنید:

۱- تشکیل تعاونی‌های محله‌ای در زمان جنگ
۲- انجمن محلی شهرک غرب شهر تهران در سال ۱۳۶۰

۳- طرح تشکیل مجامع مشورتی در مناطق شهرداری تهران در آغاز دهه هفتاد (کوثری و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۳).

۴- طرح شهر سالم تهران در سال ۱۳۷۱ در شهرک فاطمیه.

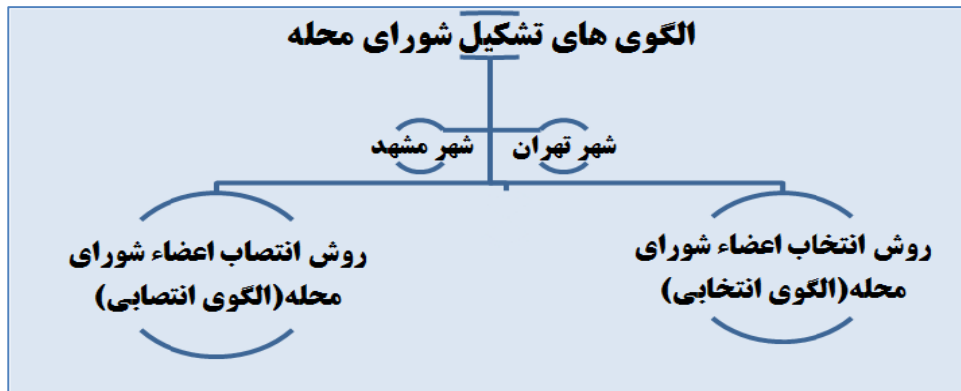
۵- برنامه استراتژیک تهران

۶- طرح شورایاری محلات شهر تهران در سال ۱۳۷۸
۷- شهردار محله منطقه ۱۰ شهرداری تهران در سال ۱۳۸۰

۸- طرح مدیریت محله در سال ۱۳۸۸ (رمضانی فرخند و طوسی، ۱۳۹۱: ۱۴-۲۵).

ب- الگوی انتصابی مدیریت شهری غیرمتمرکز: شوراهای اجتماعی محلات شهر مشهد - شورایاری شهر مشهد

در شهر مشهد نیز استفاده از شورایاری‌ها و ایجاد آنان در دوره دوم شورای شهر مطرح شد. از نظر زمانی، طرح شورایاری‌ها که دارای اساسنامه‌ای با عنوان سازمان شورایاری می‌باشد، در مهرماه ۱۳۸۳ به تصویب شورای اسلامی شهر مشهد رسید و در نیمه دوم این ماه به شکل گیری ستاد مرکزی آن اقدام شد. ستاد مرکزی با تعیین مجری طرح به تشکیل انجمن‌های شورایاری در تمام محلات شهر مبادرت نمود و ابتدا در چند محله به طور آزمایشی به مرحله انجام درآمد و سپس در انتها در ۶۷ محله در مناطق ۱۲ گانه گسترش یافت (حسنی، ۱۳۸۶: ۲). البته ذکر این نکته ضروری است که در راستای شکل



شکل شماره ۱: چارچوب شکل گیری شورای محله، مأخذ: نگارنده

شورای شوراییاری در شهر مشهد، اقدامات دیگری نیز صورت گرفت که اهم آن به قرار زیر است:

- تشکیل ۱۳ کمیته در سطح مناطق شهری؛
- انجام ۲۷۰ جلسه توجیهی؛
- شناسایی ۵۰۰۰ نفر از معتمدین محلات؛
- انجام انتخابات؛
- تشکیل ۱۲۶ شوراییاری در سطح محلات؛

شورای شوراییاری در شهر مشهد، اقدامات دیگری نیز صورت گرفت که اهم آن به قرار زیر است:

- تشکیل ۱۳ کمیته در سطح مناطق شهری؛
- انجام ۲۷۰ جلسه توجیهی؛
- شناسایی ۵۰۰۰ نفر از معتمدین محلات؛
- انجام انتخابات؛
- تشکیل ۱۲۶ شوراییاری در سطح محلات؛

جدول ۱: شرایط داوطلبان عضویت در انجمن شوراییاری

شرایط عمومی	شرایط اختصاصی
تابعیت جمهوری اسلامی ایران	داشتن حداقل ۲۲ سال سن
التزام به قانون اساسی	مدرک تحصیلی حداقل دیپلم
صلاحیت اخلاقی و حسن شهرت و وجهت اجتماعی در محله	سکونت در محله مورد نظر
نداشتن سوء سابقه کیفری	به مدت حداقل یکسال
سلامت جسمانی و روحی	

مأخذ: اساسنامه تشکیل شوراییاری های شهر تهران، ۱۳۸۸

به طور کلی در راستای شکل گیری شورای محلات در ایران طی دهه های اخیر دو الگوی شاخص ارائه شده است. ۱. الگوی انتخابی شهر تهران و الگوی انتصابی شهر مشهد که در قالب شکل زیر ارائه شده است:

۴-۵- چارچوب شکل گیری الگوی شورای محلات در ایران

به طور کلی در راستای شکل گیری شورای محلات در ایران طی دهه های اخیر دو الگوی شاخص ارائه شده است. ۱. الگوی انتخابی شهر تهران و الگوی انتصابی شهر مشهد که در قالب شکل زیر ارائه شده است:

۴-۵- چارچوب شکل گیری الگوی شورای محلات در ایران

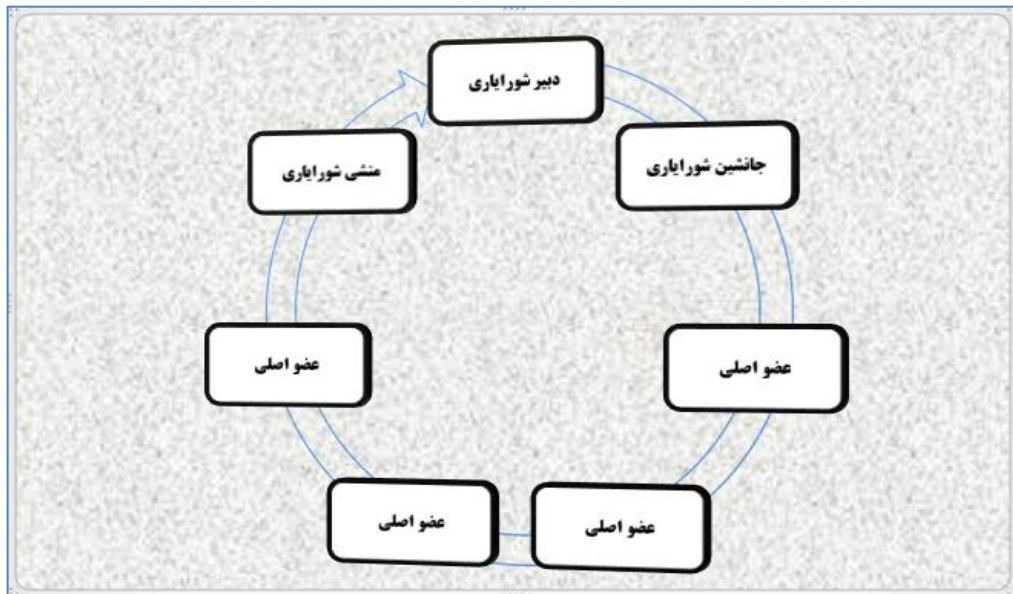
به طور کلی در راستای شکل گیری شورای محلات در ایران طی دهه های اخیر دو الگوی شاخص ارائه شده است. ۱. الگوی انتخابی شهر تهران و الگوی انتصابی شهر مشهد که در قالب شکل زیر ارائه شده است:

۴-۵- چارچوب شکل گیری الگوی شورای محلات در ایران

به طور کلی در راستای شکل گیری شورای محلات در ایران طی دهه های اخیر دو الگوی شاخص ارائه شده است. ۱. الگوی انتخابی شهر تهران و الگوی انتصابی شهر مشهد که در قالب شکل زیر ارائه شده است:

الگوی اول: روش انتخابی تعیین اعضا شورای محله (الگوی شوراییاری ها شهر تهران)

در راستای طرح شوراییاری محلات شهر تهران، در سال ۱۳۷۸ اساسنامه تشکیل شوراییاری ها به تصویب رسید و در دور اول شورای شهر تهران، نحوه شکل گیری ارزیابی و عملکرد را بررسی نمودند و تصویب اساسنامه و اجرایی نمودن در مقیاس کوچک را مورد ارزیابی قرار گرفت و فاز اول ۱۰ محله در سال ۱۳۷۹ فاز دوم ۲۲ محله در سال ۱۳۸۰ فاز سوم ۵۴ محله در سال ۸۱ در طی سه مرحله ۸۷ محله انجام شد، دور دوم شورای شهر اجرای کامل طرح و برگزاری انتخابات در کلیه محلات و اجرای آن در ۳۷۴ محله شهر تهران و در دور سوم



شکل شماره ۲: چارچوب کلی تشکیل شورایی، مأخذ: نگارنده

مسکونی طی جلسه‌ای که با حضور کلیه اعضای هر کدام از اقشار مذکور به صورت جداگانه برگزار می‌شود؛ یک نفر به شیوه‌ی انتخاب علنی برای عضویت در شورای اجتماعی محله انتخاب می‌گردد. تصمیم‌گیری، معرفی و انتخاب عضو اقشار غالب ساکن در محله با نظر اکثریت شورای اجتماعی محله می‌باشد. مسؤلیت هر کدام از اعضا، نحوه‌ی انتصاب و شرایط اختصاصی جهت تعیین اعضای شورای اجتماعی محلات ارائه شده است (دستور العمل شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، ۱۳۹۳: ۱۵).

۴-۶- شورای محلات شهر یزد

شهر یزد با توجه به پیشینه‌ی فرهنگی و تاریخی خود، در دوره‌های مختلف شاهد حضور و مشارکت اکثریت مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. از این رو با توجه به پیشینه تاریخی شهر و وجود مردمانی سخت کوش، همیشه در عرصه‌های مشارکتی فعال بوده اند. این مشارکت در دوره‌های قبل از انقلاب و همچنین بعد از انقلاب در قالب شوراهای و نهادهای محلی نمود عینی داشته است. پس از انقلاب، شهر یزد نیز مانند سایر شهرهایی چون تهران و مشهد از طریق تشکیل شورای محله در سطح محلات قدیم در راستای اداره امور محلی گام برداشته است. در ادامه‌ی فعالیت شورای محلات طی دهه‌های اخیر، در سطح محلات شهر یزد می‌توان به تجربه‌های موفق‌تری از این تشکلهای قبیل طرح محله‌ی نمونه در دهه‌ی ۱۳۷۰، طرح ستاد شهر سالم یزد و شورای هماهنگی محلات ناحیه تاریخی شهر

- الگوی دوم: روش انتصابی تعیین اعضای شورای محله (شورای اجتماعی محلات شهر مشهد)

طرح تشکیل شوراهای اجتماعی محلات شهر مشهد با این باور که "اداره کلانشهر مشهد با جمعیتی حدود سه میلیون نفر (مطابق آمار سال ۱۳۹۰) و حضور همه روزه ی زائران و گردشگران در سطح شهر، بدون حضور لایه‌های مختلف مردمی و بدون مشارکت و همکاری شهروندان دشوار خواهد بود". در سال ۱۳۸۷ به مرحله اجرا درآمد (مسعودی، ۱۳۹۱: ۱۵). شورای اجتماعی محلات را گروه اجتماعی محلی می‌داند که با عضویت حداقل ۹ نفر از اشخاص حقیقی و حقوقی به عنوان نمایندگان اقشار صنوف مختلف تشکیل و در راستای افزایش و به کارگیری مشارکت‌های اجتماعی در ارتقاء حیات اجتماعی محله تشکیل و اعضای آن در چهارچوب قوانین مدون و در زمان معین فعالیت می‌نمایند (همان، ۱۶). مهمترین اثر وجود شورای اجتماعی محلات و داشتن هویت محله ای، افزایش میزان همبستگی اجتماعی است. اگر فرد احساس تعلق به محله خودش داشته باشد، کارهایی را انجام می‌دهد و از کارهایی دیگر پرهیز می‌کند. هر چه محله قوی تر باشد، مشارکت عمومی بیشتر است و مشکلات خیلی راحت تر حل می‌شود (پیران، ۱۳۸۲: ۲۹-۳۰). بر طبق دستور العمل شورای اجتماعی محلات شهر مشهد نحوه انتخاب اعضای شورای اجتماعی محله بدین صورت است که: نماینده ائمه جماعات، نماینده مدیران مدرسه، نماینده تشکلهای مردمی، نماینده خیریه‌ها، نماینده مجتمعهای



شکل شماره ۳: چارچوب کلی اعضای شورای اجتماعی محله در شهر مشهد، ماخذ: رضانی فرخند و طوسی، ۱۳۹۱

مطرح و پس از امکان سنجی طرح در سال ۱۳۹۴ اقدام به تشکیل شوراییاری محلات در سطح شهر یزد نموده است (مهندسین مشاور آمایش باغ شهر یزد، ۱۳۹۴: ۱۵).

۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از دو شیوه اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. در بخش نظری تحقیق؛ مطالعه منابع موجود، اعم از کتب و مقالات معتبر فارسی و لاتین، گزارش‌ها و طرح‌های موجود در این زمینه مورد نظر قرار گرفته است. در این راستا، در وهله اول پیشینه‌ی تشکیل شوراییاری در سطح شهرهای بزرگ کشور مانند تهران و مشهد و عملکرد هر یک از این الگوها در جلب مشارکت شهروندان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش میدانی، مطالعه موردی مد نظر است، که در آن وضعیت شهر یزد از نزدیک مورد بررسی و مشاهده قرار گرفت. همچنین برای جمع آوری آمار و اطلاعات از پرسشنامه بهره گرفته شد. برای یافتن الگوی بهینه؛ دو دسته جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان شهری و مردم محلی انتخاب خواهد شد و نظرات این دو جامعه در چارچوب آمارهای توصیفی و استنباطی مورد مقایسه و تحلیل قرار خواهد گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از ابزارهایی نظیر نرم افزار

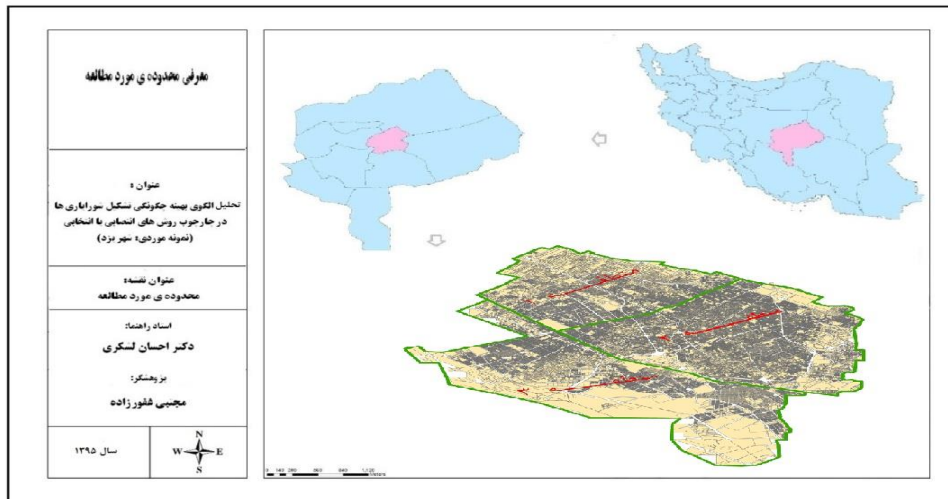
یزد اشاره نمود. که در بخش زیر مراحل کلی تحول طرح‌های مشارکتی در شهر یزد بررسی شده است:

- شورای محلات بعد از انقلاب
- ستاد شهر سالم یزد در دهه‌ی ۱۳۷۸
- شورای هماهنگی محلات تاریخی شهر یزد
- معرفی افرادی تحت عنوان شوراییار در دوره‌ی سوم شورای شهر یزد

- تصویب طرح تشکیل و استقرار شوراییاری محلات شهر یزد در سال ۱۳۹۳

با تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا، بر اساس اصول ۶، ۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵ و ۱۰۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گسترش فکر و عمل شورایی به ضرورتی تاریخی و اجتناب ناپذیر تبدیل شد. به استناد ماده هفتاد و یک قانون تشکیلات،

وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و با عنایت به حجم عظیم و گسترده مسائل و مشکلات مختلف شهری در ابعاد کمی و کیفی، رفع این مشکلات و بهبود شرایط، مستلزم تمرکز زدایی و بهره گیری از نظرات و دیدگاه‌های آحاد مردم و مشارکت واقعی، پایدار، دائمی و نهادینه، تشکیل انجمن‌ها و سازمان‌ها و نهادهای مدنی داوطلبانه و مردمی است. در راستای تحقق اهداف فوق و خصوصاً اجرای بندهای ششم و هفتم ماده ۷۱ قانون فوق الذکر، طی مصوبه‌ی کمیسیون فرهنگی- اجتماعی در خصوص بند ۹ صورت جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۶، شورای اسلامی شهر یزد موضوع تشکیل شوراییاری محلات شهر یزد را



نقشه شماره ۱: نمایش موقع جغرافیایی شهر یزد

اجتماعی شهر یزد، الگوی انتصاب در مراحل اولیه تعیین شوراباران مناسب باشد" ارائه شده است. این فرضیه با توجه به سیستم مدیریت شهری شهر یزد و ساختار مدیریتی در سطح محلات شهر یزد و حضور معتمدین محله در وضعیت فعلی شهر یزد ارائه گردیده است. بنابراین در بخش اول عملکرد الگوی اجرایی در سطح شهرهای تهران و مشهد براساس پژوهش‌های انجام شده مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس در راستای سنجش چگونگی تعیین اعضای شورای محله (شوراباری‌ها) با توجه به ماهیت آن، شاخص‌هایی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی- سیاسی و نهادی استخراج شده است. در راستای آزمون فرضیه، شاخص‌هایی جهت پرسشگری از هر دو جامعه آماری تحقیق در قالب پرسشنامه طراحی شده و از جامعه آماری اطلاعات مورد نیاز جهت آزمون فرضیه استخراج گردید.

در راستای آزمون فرضیه در وهله اول به بررسی تجارب شکل‌گیری شورای محلات در دو شهر تهران و مشهد با دو الگوی متفاوت (انتصاب و انتخاب) پرداخته شده است و در ادامه با توجه به معیارهای بومی انتخاب شده، الگوی بهینه تشکیل با توجه به شرایط شهر یزد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش زیر به بررسی تجارب شکل‌گیری دو الگو در سطح شهرهای تهران و مشهد پرداخته می‌شود و پژوهش‌هایی که در راستای سنجش عملکرد الگوها انجام شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

Spss و Excel استفاده خواهد شد. که روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت همبستگی- مقایسه ای می‌باشد که در این راستا از آزمون‌های آماری نظیر آزمون تی تست^۲ استفاده می‌شود.

۶- محدوده‌ی مورد پژوهش

شهر یزد دارای سه منطقه‌ی شهری و یک ناحیه‌ی تاریخی می‌باشد. براساس طرح تفصیلی، این شهر به ۴۲ محله شهری تقسیم شده است. قلمرو مطالعاتی این پژوهش شامل محدوده طرح تفصیلی شهر یزد می‌باشد. جامعه آماری در این مطالعه، شامل کلیه شهروندان یزدی در محدوده سنی ۱۵ سال به بالا می‌باشند که حدود ۷۵٪ جمعیت شهر یزد را به خود اختصاص می‌دهند؛ علت انتخاب کمینه این محدوده، داشتن حداقل سن در انتخابات می‌باشد. کل جمعیت شهر یزد در سال ۱۳۹۰ برابر با ۴۸۶۱۵۲ نفر می‌باشد که جامعه آماری ما را ۳۶۴۶۱۴ نفر تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه، بر طبق فرمول کوکران در سطح احتمال ۹۵/۵، تعداد ۳۸۴ نمونه انتخاب گردید. حجم نمونه در سطح مدیران و کارشناسان تعداد ۳۰ نفر از سازمان‌های دست‌اندرکار امور شهری می‌باشد.

۷- بحث

در این بخش با توجه به اینکه در این پژوهش شرایط بومی شهر یزد مد نظر بوده است، لذا فرضیه‌ی تحت عنوان "با توجه به شرایط تاریخی- فرهنگی و

جدول شماره ۲: شاخص های بومی در چارچوب روش انتصاب اعضای شورای محله

شاخص های انتصابی اعضاء شورای محله	
۱	میزان موفقیت شهروندان در انتخاب اعضاء متخصص و معتمد
۲	میزان موفقیت شورای شهر در شناسایی و انتصاب اعضاء معتمد و متخصص
۳	کاهش ناهنجاری در بین معتمدین محلات
۴	میزان تمایل شهروندان از نظارت شورای شهر و شهرداری بر شورای محله
۵	میزان موفقیت سایر سازمان ها در معرفی نماینده متخصص و معتمد
۶	میزان تمایل شهروندان از انتصاب افراد معتمد و متخصص از سوی شورای شهر و سایر سازمان ها
۷	میزان هزینه در روش انتصاب اعضاء
۸	وضعیت همکاری متخصصین محله در کنار معتمدین
۹	وضعیت معتمدین فعلی در سطح محلات
۱۰	نظارت معتمدین محلات بر شورای محله

منبع: مطالعات نگارنده مستخرج از منابعی چون توکلی و استادی سیسی (۱۳۸۸):

شادمانفر (۱۳۸۹): شیانی و همکاران (۱۳۹۱): قلی پور و همکاران (۱۳۹۴)

کارکردهای تشکیل این نهاد را می توان در افزایش سطح پایداری محلات دانست که در بخش های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نمود عینی پیدا می کند. در یکی دیگر از پژوهش های انجام شده توسط شادمان فر، نقش شورایی ها در بهبود عوامل موثر در مشارکت شهروندان با مدیریت منطقه ۳ شهر تهران بررسی شده و سپس مقایسه عملکرد دو دوره ی برگزاری انتخابات شورایی ها در شهر تهران (دوره دوم و دوره سوم) در قالب موارد زیر مطرح شده است:

- جهش قابل توجه فعالیت های شورایی ها و امکانات و ابزار آنها در دوره ی سوم آن برای تعامل با مدیریت شهری نسبت به دوره گذشته، رشد قابل توجه شاخص های موثر در گرایش افراد به مشارکت با الگوی شورایی ها و همچنین رشد قابل توجهی عوامل عینی مثل فراهم شدن امکانات اولیه مشارکت یعنی نهادینه شدن و امکاناتی چون دفتری جهت تشکیل جلسه و مراجعات مردمی، رشد قابل توجهی شناخت مردم از نهاد شورایی با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی در طول مدت چهارساله و با شکل گیری دفاتر شورایی و یا مراجعه مردم به خاطر مهر شورایی محله به ویژه امور مربوط به مسکن مهر، افزایش تعداد جلسات و تعاملات مدیریت شهری بویژه شهرداری مناطق با شورایی ها نسبت به دوره گذشته و در نهایت تهیه اسناد توسعه محله در دوره ی سوم شورایی های تهران به عنوان یکی از اصلی ترین مطالبات شورایی نسبت به دوره های گذشته.

در جمع بندی نتایج بدست آمده از پژوهش فوق در عملکرد شورایی طی دو دوره، می توان افزایش گرایش مشارکت شهروندان و به نوعی گرایش به نهادینه شدن مشارکت، افزایش تعاملات با مدیریت شهری،

۷-۱- سنجش الگوی اجرا شده شورایی در سطح

شهر تهران

در پژوهشی که توسط توکلی نیا و استادی سیسی در زمینه ی تحلیل پایداری محله های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی ها در محله های اوین، درکه و ولنجک انجام پذیرفته است، با تأکید بر معرف های توسعه پایدار، به ارزیابی سطوح پایدار در محلات مورد مطالعه پرداخته، سپس با مقایسه تطبیقی، عوامل مؤثر بر پایداری یا ناپایداری شناسایی و نقش شورایی ها در بهبود روند پایداری ارزیابی گردیده است. شاخص هایی که جهت بررسی عملکرد شورایی انتخاب شده در بخش اعتماد، صداقت، روحیه همکاری، تمایل به حضور در عرصه های مدنی، وجدان کاری، انضباط و تلاش برای توسعه می باشد.

در واقع پژوهش مذکور با استخراج شاخص ها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهت تعیین پایداری محلات، نقش و عملکرد شورایی در بهبود پایداری محلات را مورد بررسی قرار داده است. نتایج آن بیانگر این است که از نظر ابعاد پایداری محله های درکه و اوین از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و محله ولنجک از نظر کالبدی در سطح بالاتر پایداری قرار داشتند. همچنین با توجه به تفاوت عملکرد شورایی ها، محله اوین با شناخت بیشتر مردم و در ارتباط تنگاتنگ با هم محله ای ها فعالیت بیشتری داشته و در جهت تحقق اهداف سند توسعه محله ای گام های مؤثرتری برداشته است. در نهایت نتایج پژوهش مذکور، نشان دهنده ی اهمیت عملکرد شورایی ها و تحت تاثیر قرار دادن پایدار محله می باشد. در واقع، تاثیر عملکرد شورایی ها در پایداری محله مورد بررسی قرار گرفته که از جمله

شوراهای اجتماعی محلات استخراج شده و شاخص‌های یادشده مبتنی بر شرایط شهر مشهد بومی سازی شدند و به 31 مورد کاهش یافتند. شاخص‌ها در ابعاد اقتصادی، ساختار تشکیلاتی- مدیریتی، اجتماعی و عملکردی طراحی گردیده است و در قالب پرسشنامه بسته از 156 نفر از شهروندان و کارشناسان در مناطق 13 گانه شهر مشهد مورد پرسش قرار گرفته است. به منظور دستیابی به الگویی بهینه برای تدوین ساختار شورای اجتماعی محلات از روش تحلیل عاملی بهره گرفته و پس از حذف شاخص‌های نامربوط به موضوع مورد بحث، میزان همبستگی میان شاخص‌ها بررسی شده است. به این ترتیب شاخص "بهبود سطح رفاه" و "سطح تحصیلات آکادمیک" را در این مرحله حذف کردند. در نهایت بر اساس شاخص‌های قرار گرفته در زیرمجموعه هر عامل، عوامل به ترتیب «حیطه وظایف، ضمانت اجرای مصوبات، نحوه تشکیل جلسات، الزامات اعضای ثابت، نحوه تعامل با شهرداری، کمیت و کیفیت اعضا، تعامل مردم با شورا، اطلاع رسانی» نامگذاری شده اند. در نهایت الگوی پیشنهادی برای بازنگری ساختار شوراهای اجتماعی محلات مشهد ارائه کرده اند. که نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد معیار "حیطه وظایف" با بار عاملی 13,961 و "ضمانت اجرای مصوبات" با بار عاملی 10,783 از جمله بحث برانگیزترین چالش‌ها در تعریف شوراهای اجتماعی محلات به شمار می رود. نکته‌ی قابل توجه در پژوهش مذکور، معیار حیطه وظایف است که تعدادی از گویه‌های آن در چارچوب الگوی انتصابی تعیین کننده اعضا شورای محله می‌باشد و از جمله مهم ترین موارد در راستای عدم تمرکز مدیریت شهری و برون سپاری وظایف به این نهاد می‌باشد.

به طور کلی از بررسی پژوهش‌های پیشین می‌توان به این نتیجه رسید که در الگوی انتصابی تعداد زیادی از معیارهایی که جهت انتصاب و بررسی این الگو مورد سنجش قرار داده شده است قابل تطبیق در سایر پژوهش‌ها است و می‌تواند در راستای سنجش الگوی انتصاب شورایی مورد استفاده قرار گیرد و تاییدی بر فرض مطرح شده و معیارهای مد نظر در پژوهش حاضر می‌باشد. از سویی در پژوهش‌های پیشین با توجه به اجرایی شدن این الگوی در شهر مشهد، سعی بر بررسی تمامی جنبه‌های این الگو با توجه به ساختار تشکیلاتی و اجرایی آن شده است. لذا می‌بایست ابعادی را که در جهت سنجش چگونگی انتصاب و مزایای آن است مورد توجه قرار گیرد. اما پژوهش حاضر در راستای تحلیل

افزایش شناخت و درک شهروندان از نهاد شورایی (با کمک ابزارهای تبلیغاتی اعم از نشریه‌های مرتبط با شورایی‌ها در دوره سوم نسبت به دوره دوم) اشاره کرد. در نهایت در بررسی پژوهش مذکور و در جهت سنجش الگوی انتخابی شورایی‌ها می‌توان به این مورد اشاره نمود که در حالت الگوی انتخابی از آنجایی که با برگزاری انتخابات مردم نیز در اداره امور محله سهیم می‌شوند، در ادامه فعالیت این نهاد مشارکت بیشتری با آن دارند و در این حالت گرایش افراد به مشارکت بیشتر می‌شود.

در پژوهشی دیگر شیانی و همکاران در جهت ارزیابی دینفعان از عملکرد شورایی‌های شهر تهران، دیدگاه‌های ساکنان، دبیران شورایی و مسئولان شهرداری منطقه ۱۱ را براساس وظایف و اهداف شورایی مورد بررسی قرار داده، که نتایج آن نشانگر این است که ارزیابی پاسخگویان نمونه از عملکرد شورایی تا حد زیادی متأثر از نگرش آنان نسبت به این نهاد و نیز عملکرد شهرداری است. از این مهمتر، درصد کمی از پاسخویان پیمایش کمی، با وظایف شورایی در زمینه‌های مسائل امنیتی و بهداشت محله و شناسایی پیگیری مشکلات محله آشنایی دارند. نکته قابل توجه در پژوهش مذکور، تاثیر عملکرد شهرداری بر کارکرد شورایی هاست. از سوی دیگر عدم آشنایی شوراییان و وظایف شورایی‌ها که بر روی کارکرد آنها تاثیرگذار بوده است.

۷-۲- سنجش الگوی اجرا شده شورای اجتماعی محلات شهر مشهد

در پژوهشی قلی پور و همکاران به ارائه الگویی برای بهبود عملکرد شورای اجتماعی محلات شهر مشهد پرداخته اند که در آن با توجه به تازگی اجرای این طرح در کلانشهر مشهد و قدمت کم بحث مشارکت‌های محلی در مدیریت شهری معاصر ایران، ضرورت ارزیابی سازوکار این اجتماعات در بخش‌های شرح وظایف و حیطه اختیارات آن، تعداد و نحوه انتخاب اعضا، ویژگی‌ها و شاخصه‌های اعضا، کمیت و کیفیت برگزاری جلسات و... از دیدگاه مردم و مسئولان ضروری به نظر رسیده است. پژوهش مذکور در پی ارائه الگویی جهت ارزیابی و اصلاح ساختار این اجتماعات در سطح مشهد، برگرفته از دیدگاه‌ها و نظرات مردم مشهد و کارشناسان مربوطه است. که در آن مبتنی بر مبانی نظری و تجارب بررسی شده تعداد 43 شاخص به عنوان آیتم‌های اصلی ساختار

شرایط و ساختار هر شهر می‌بایست معیارهایی بومی را جهت تعیین الگو بهینه مشخص نمود.

۸- تجزیه و تحلیل

پس از بررسی تجارب و کارکرد دو الگو، معیارهایی بومی جهت تعیین الگوی بهینه در شهر یزد استخراج شده است. در ادامه پرسشنامه، جهت تبیین الگوی بهینه تشکیل شورای محله در شهر یزد از دیدگاه دو جامعه‌ی آماری (شهروندان و کارشناسان) طراحی شد. بنابراین برای تعیین نوع الگوی اعضا شورای محله با توجه به شرایط یزد در ابتدا می‌بایست نرمال بودن داده‌ها سنجیده می‌شد که این کار با آزمون کلمروگروف-اسمیرونف صورت گرفت به دلیل سطح معناداری به دست آمده که بزرگتر از ۰/۰۵ بود فرض نرمال بودن داده‌ها تایید شد. از این رو به دلیل بررسی تعیین اعضا به عنوان عامل مورد بررسی در دو گروه مستقل یعنی انتخابی و انتصابی، بهترین گزینه برای بررسی فرض استفاده از آزمون تی گروه‌های مستقل می‌باشد. که فرض در قالب زیر ارائه می‌شود:

به منظور آزمون و تحلیل فرضیه از آزمون تی *Independent Samples T- test* یا آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده شده است. در این آزمون دو گروه مستقل در راستای یک عامل سنجیده می‌شود. در اینجا انتصابی بودن اعضا یا انتخابی بودن آن به عنوان دو گروه مستقل به شمار می‌روند. در این پژوهش سعی بر این است تا با توجه به شرایط شهر یزد به انتخاب الگوی بهینه تعیین اعضا در مرحله‌ی اول استقرار شورایی پرداخته شود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در قالب جدول زیر ارائه و در ادامه مورد تحلیل قرار گرفته است:

چگونگی تشکیل و عضوایی شورایی و اجرایی شدن آن در چارچوب دو الگوی انتخاب یا انتصاب گام برداشته است. در این راستا بخشی از معیارهای سنجش عملکرد الگوهای اجرا شده در دو شهر تهران و مشهد را جهت اجرایی در محدوده‌ی مورد نظر پژوهش حاضر بررسی نموده و معیارهای منطبق با فرض پژوهش انتخاب گردیده است. از سویی با توجه به شرایط هر شهر می‌توان معیارهای بومی جهت سنجش الگوی منطبق با آن شهر انتخاب نمود. در واقع یافته‌های پژوهش‌های پیشین بر معیارهای تعیین الگوی شورایی که در این پژوهش مد نظر است صحت می‌گذارد. بنابراین قابل انطباق با شرایط محدوده‌ی مورد پژوهش می‌باشد. و از آنجایی که فرضیه‌ی مطرح شده در این پژوهش با توجه به شرایط موجود شهر یزد مطرح شده، علاوه بر استفاده از تجارب پژوهش‌های پیشین می‌بایست معیارهای منطبق بر شرایط شهر یزد به عنوان محدوده‌ی مورد مطالعه استخراج گردد تا بتوان آن را مورد سنجش قرار داد.

در نهایت می‌توان اذعان نمود پس از بررسی یافته‌های پژوهش پیشین، شهرهای تهران و مشهد الگوهای اجرا شده از نظر هدف یکسان بوده و به نوعی هر دو الگو در راستای جلب مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر گام برمی‌دارند؛ اما از آنجایی که شرایط هر شهر از نظر ساختار اجتماعی- فرهنگی، مدیریتی و ... متفاوت می‌باشد، لذا می‌بایست از طریق انتخاب معیارهایی بومی و متناسب با هر شهر، الگوی بهینه اجرای شورای محلات را مشخص نمود. بنابراین با توجه به اینکه هدف اجرای آن یکسان می‌باشد می‌توان از تجارب مشابه الگوهای اجرا شده استفاده نمود و از سوی دیگر، در جهت تطبیق هر چه بیشتر الگوی مورد نظر با

جدول شماره ۳: نتایج حاصل از آزمون تی تک متغیره

Independent Samples Test									
95% Confidence Interval of the Difference		برابری میانگین ها			برابری واریانس ها			روش تعیین اعضا	
Upper	Lower	آماره	میانگین اختلافات	سطح معناداری	درجه آزادی	تی بدست آمده	سطح معناداری	آماره	سطح معناداری
.47170	.17348	.07595	.32259	.000	383	4.247	.000	47.48	.000
با فرض برابری واریانس									
.47181	.17337	.07599	.32259	.000	383	4.245			
با فرض نابرابری واریانس									
مقبولیت روش انتصابی									
مقبولیت روش انتخابی									
1/7858									
2/7346									

همچنین در بعد نهادی می‌توان اذعان نمود زمانی که شورای محله با رای مستقیم مردم و به صورت انتخاباتی تشکیل شود، مقبولیت نهادی آن نسبت به حالت انتصابی شورای محله بیشتر است.

۹- نتیجه گیری

شورایاران به عنوان هسته مشارکت مردمی و بخشی از ارتباط مردم با شورای اسلامی شهر به شمار می‌روند، از این رو اهمیت انتخاب شورایاران در نتیجه مشارکت مردمی در تعیین این حلقه ارتباطی و تصمیم سازی بسیار زیاد است، مشارکت اجتماعی در انتخابات می‌تواند به دقت انتخاب شورایاران کمک نماید، لذا عواملی که مؤثر در این مشارکت می‌باشند بسیار حائز اهمیت است. هدف اصلی و رسالت اصلی در نظام جدید مدیریت شهری همانا افزایش مشارکت مردمی در اداره امور و افزایش اعتماد و ارتباط متقابل بین شهرداری و ساکنین محلات است. علاوه بر این با هدف ایجاد یک رکن اجرایی متناسب با رکن مشورتی و نظارتی شورایاری و تلاش در جهت احیاء و برجسته سازی هویت و جایگاه محله‌ای تشکیل شده است. به طور کلی این نهاد مشورتی در چارچوب دو الگوی انتخاب و انتصاب در سطح برخی شهرهای ایران مطرح شده است. در واقع دو الگوی متفاوت با ساختار تشکیلاتی- اجرایی می‌باشد و ویژگی‌ها و کارکردهای متفاوت را به دنبال دارند. پژوهش حاضر در پی بررسی و تحلیل دو روش مذکور و تعیین الگوی بهینه‌ی آن در جهت تشکیل شورایاری‌ها بوده است. از سوی دیگر برای این مقوله شرایط محدودی مورد مطالعه ای پژوهش در نظر گرفته شده، که شهر یزد به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. با بررسی موضوع چگونگی تعیین اعضاء شورای محلات (شورایاری‌ها) در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی- سیاسی و نهادی در چارچوب دو روش انتخابی یا انتصابی می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به ویژگی‌های شهر یزد و دیدگاه شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری آن، روش انتخابی در تعیین اعضاء شورای محله مقبولیت بیشتری دارد. همچنین می‌توان اذعان نمود که با توجه به ماهیت مشارکت گسترده مردم شهر یزد در انتخابات گذشته و تمامی تحولات و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی شکل گرفته طی دهه‌های اخیر، به سمت انتخابی بودن شورایاری محله به عنوان نمود عینی مشارکت، گرایش بیشتری دارند. همچنین در ابعاد مختلف اعم از بعد اجتماعی با مشارکت بیشتر آنها همراه بوده است و در

نتایج این فرض بدین صورت است که الگوی انتخابی در مرحله‌ی اول مقبولیت بیشتری دارد. در توضیح جدول فوق باید اذعان داشت که میانگین مقبولیت روش انتخابی از دیدگاه شهروندان و کارشناسان شهری برابر با ۲،۷۳ و در روش انتصابی ۱،۷۸ بوده است. جدول شماره ۳ نشان دهنده‌ی این است که تفاوت میان دو روش تعیین اعضا هم با فرض برابری واریانس و هم برابری میانگین‌ها با سطح معناداری ۰/۰۰۰ مورد تایید می‌باشد که با توجه به این، میانگین مقبولیت در روش انتخابی تفاوت معناداری با روش انتصابی دارد. در نهایت فرض فوق مبنی بر اینکه "با توجه به شرایط تاریخی- فرهنگی و اجتماعی شهر یزد، الگوی انتصاب در مراحل اولیه تعیین شورایاران مناسب باشد" رد شده و درست نقطه‌ی مقابل آن یعنی روش انتخابی تایید می‌شود.

از تحلیل داده‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که شهروندان یزدی با توجه به پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی شهر و مشارکت گسترده‌ی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی اعم از انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و حضور پرشور در تمامی انتخابات، گرایش بیشتری به سمت انتخابی بودن اعضای شورای محله و مشارکت مستقیم خودشان در سطح محلات دارند. و از سویی در حالت انتصابی از نظر شهروندان مشارکت آنها در صحنه کاهش می‌یابد. و روش انتصاب، باعث کاهش همبستگی بین مردم محله می‌شود. در نهایت از دیدگاه شهروندان، افرادی که توسط سازمان‌ها معرفی و انتصاب می‌شوند، مسئولیت پذیری کمتری نسبت به آنها دارند و پاسخگویی به آنها در راستای مسائل محله کمتر و در سطح ضعیفی می‌باشد. اما در بعد اقتصادی، از آن جایی که برگزاری انتخاب در سطح محله هزینه‌های مختلف از جمله مکان رای گیری، تعداد صندوق، نظارت و بازرسی انتخابات و غیره را به دنبال دارد، لذا شهروندان در بعد اقتصادی از نظر هزینه برگزاری با پایین بودن هزینه‌ها در روش انتصابی موافقت دارند. از آنجایی که بعد مدیریتی- سیاسی یکی از ابعاد مهم در نحوه‌ی تعیین انتخاب شورای محلات می‌باشد، لذا توجه اکثریت مدیران در سطوح مختلف ملی و استانی را به خود جلب کرده است. بنابر نتایج مستخرج از داده‌های جمع‌آوری شده در بعد مدیریتی- سیاسی، شهروندان در حالت انتصابی مشارکت کمتری را با شورای شهر و سایر سازمان‌ها در برنامه ریزی محله دارند. و از سویی معتقدند توانایی افراد منتخب خودشان در انتقال نظرات و پیگیری آنها در سطح بالاتری نسبت به افراد انتصاب شده قرار دارد.

بعد نهادی حالت انتخابی بودن اعضاء شورای محلی مورد قبول عامه مردم می باشد. از سویی مدیران شهری نیز در بعد اجتماعی مشارکت شهروندان را بیشتر می دانند و معتقدند که شهروندان در حالت انتخابی مشارکت بیشتری با مدیران شهری در اداره امور شهر دارند. شهروندان نیز گرایش بیشتری به مشارکت در حالتی که سرنوشت اداره امور محلی خود را با برگزاری انتخابات رقم بزنند، دارند. در نهایت می توان الگوی بهینه و متناسب با شهر یزد در چگونگی تعیین اعضای شورای محله را در حالت انتخاب جست و جو نمود.

منابع و مأخذ

- آخوندی، احمد، برک پور، ناصر، اسدی، ایرج، بصیرت، میثم و حبیب الله طاهرخانی (۱۳۸۷): آسیب شناسی مدل اداره ای امور شهر در ایران، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار، ص ۱۳۵-۱۵۶.
- ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۴): بررسی جامعه شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر؛ فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۲۶، ۳۳-۶۴.
- ابراهیم زاده، عیسی، زارع، محمد، ربانی، طه و جعفر کریمی (۱۳۸۹): بررسی نقش شورایی ها و سازمان های محلی در جلب مشارکت مردم، نمونه ی موردی: کلانشهر زاهدان؛ اولین همایش مدیریت محله ای حقوق و تکالیف.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴): ویژگی های تاریخی- فرهنگی و تحولات معاصر مدیریت محله شهری در ایران؛ مطالعه موردی: شهرداری محله در تربت حیدریه، نامه انسان شناسی، ۱۷-۲۹.
- پیران، پرویز (۱۳۷۹): طرح انجمن های شورایی محله های شهر تهران، فصلنامه ی معماری و فرهنگ؛ سال دوم، شماره پنجم، تابستان.
- توکلی نیا، سعیده و استادی سیسی، منصور (۱۳۸۸): تحلیل پایداری محله های کلانشهر تهران با تاکید بر عملکرد شورایی ها، نمونه موردی: محله های اوین، درکه و ولنجک؛ مجله پژوهش های جغرافیای انسانی (پژوهش های جغرافیایی)، زمستان.
- حقیقتیان، منصور، اسماعیلی، رضا و سمیه کریمی زاده اردکانی (۱۳۹۴): تبیین جامعه شناختی تأثیر توسعه محله محوری در اداره کلانشهر تهران؛ مورد مطالعه: محله های ازگل، جنت آباد، حکیمیه،
- خانگی آباد نو، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ششم، شماره ۲۰، بهار.
- حسینی، غلامرضا (۱۳۸۶): بررسی ساختار و عملکرد شورایی ها و راهکارهای بهبود آن در توسعه شهر مشهد، طرح پژوهشی شورای اسلامی شهر مشهد.
- حسینلو، معصومه، آقایی، عادل (۱۳۹۲): نقش شوراییان در جلب مشارکت شهروندی نمونه موردی: منطقه ۴ شهر تهران، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- داودی، سعید و یحیی پور، مهدی (۱۳۸۸): مطالعه ی مقدماتی برای بازنگری در قانون شوراها: اهمیت نقش و جایگاه شورایی ها در مدیریت شهری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات مشهد مقدس (۱۳۹۱): آشنایی با شوراهای اجتماعی محلات مشهد؛ انتشارات بوی شهر بهشت، مشهد، بهار.
- دانشی خوشبو، یوسف (۱۳۴۹): سازمان های محلی تهران، تهران: دانشکده علوم اداری و مدیریت.
- دستورالعمل شورای اجتماعی محلات شهر مشهد (۱۳۹۳): دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات مشهد، چاپ اول، تیرماه.
- رضایی فرخنده، احمد، گزلان طوسی، جمال (۱۳۹۱): مدیریت محله ای در ایران: برگزیده ای از تجارب مشارکت محلی در ایران، مشهد، سازمان فرهنگی- ورزشی شهرداری؛ دبیرخانه ی شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، انتشارات بوی شهر بهشت، ص ۱۰-۸۸.
- رضایی، محمد رضا، غفورزاده، مجتبی، جعفری نسب، حسین، حسینی، سید مصطفی و مسعود احمدی (۱۳۹۳): ارزیابی مشارکت شهروندی و نقش آن در توسعه مدیریت شهری، مطالعه ی موردی: شهر یزد؛ اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر، ساری.
- سالنامه های آماری استان یزد، سال ۱۳۹۰.
- شیانی، ملیحه؛ پویا علاء الدینی و طیبه فرحناکی (۱۳۹۱): ارزیابی ذینفعان از عملکرد شورایی های شهر تهران: دیدگاه های ساکنان دبیران شورایی و مسئولان شهرداری منطقه ۱۱، همایش هم اندیشی شوراها و مدیریت محلی در افق چشم انداز، تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- شمعی، علی، آقایی، پرویز و سامان حیدری (۱۳۹۲): بررسی و تحلیل میزان مشارکت شهروندان در

- مسعودی، حمید (۱۳۹۱): وضعیت موجود شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر اعضای آن، طرح پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (۱۳۹۱):
- تبیین الگوهای موفق مشارکت‌های اجتماعی و توسعه محلات در شهر انگلستان، معاونت مطالعات و برنامه ریزی مدیریت، امور اجتماعی و اقتصادی، گزارش شماره ۱۶۴، صص ۱۲-۱۴.
- نظریان، اصغر و رحیمی، محمد (۱۳۹۲): ضرورت بازبینی مدل مدیریت شهر تهران و انتخاب مدل برتر، مجله مدیریت شهری، شماره ۳۱، تابستان و بهار، صص ۱۲۵-۱۳۸.
- یاری حصار، ارسطو (۱۳۹۰): شورایاری؛ رویکردی نو به مدیریت محلی، انتشارات آستان قدس رضوی.
- Cardenas, Virginia R. et al. (2005) Community-Based Participatory Extension Management and Empowerment: Institutionalization and Scaling Up, In: Proceedings of the 18th International Symposium of the International Farming Systems Association. Editors: John Dixon et al, International Farming Systems Association, Rome.
- Harry Blai, 2008. Participation and Accountability at the Periphery: Democratic Local Governance in Six Countries, Volume 28, Issue 1, January 2008, Pages 21-39.
- Saltzstein A.L et al (2008). Visions of Urban Reform: Comparing English and U.S. Strategies for Improving City Government", Urban Affairs Review, Vol. 44.
- مدیریت شهری با تاکید بر مدیریت محله (مطالعه‌ی موردی: محله جماران، ناحیه چهار، منطقه یک تهران)، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره شانزدهم، زمستان.
- شورای شهر یزد، مصوبان کمیسیون فرهنگی-اجتماعی ۹۴-۱۳۹۳.
- شادمان فر، رضا (۱۳۸۹): بررسی شورایاری‌ها در بهبود عوامل موثر در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری، مقایسه دوره دوم و سوم؛ مورد کاوی: شورایاری‌های منطقه ۳ شهر تهران، اولین همایش شهروندی و مدیریت محله ای حقوق و تکالیف، تهران، اداره کل مطالعات اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران،
- عامری، فائزه، منفرد، لیلی و مسیح بهنیا (۱۳۸۷): بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات شورایاری‌های محلی انگلستان و استرالیا، دفتر مطالعات حقوقی گروه حقوق عمومی و بین الملل، شماره مسلسل ۹۴۵۲.
- عالی پور، حسن (۱۳۹۴): نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره سوم، پاییز، ش ۶۹.
- قلی پور، مستوره، خیرالدین، صدف، حبیبی، بهناز و پوریا علایی (۱۳۹۴): ارائه الگویی برای بهبود عملکرد شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی، رشت، دانشگاه پیام نور استان گیلان.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا، قانون شهرداری ها
- کوثری، مسعود، نجاتی، حسینی، سید محمود، ایمانی جاجرمی، حسین و علی گلی (۱۳۸۷): تهران توسعه فرهنگی، انتشارات مرکز مطالعات شهر تهران.
- کاظمی، داود (۱۳۸۹): بررسی نقش و عملکرد شورایاری محلات در مدیریت شهری محله محور و ارائه راهکارهای کلی ارتقا کارکردی بر اساس ساختار نوین مدیریت محله؛ اولین همایش شهروندی و مدیریت محله‌ای حقوق و تکالیف.
- مهندسین مشاور آمایش باغ شهر یزد (۱۳۹۴): گزارش طرح پژوهشی تشکیل و استقرار شورایاری‌ها در شهر یزد، شهرداری شهر یزد.
- مصطفی پور، کامبیز، شریفی میلانی، آناهیتا و فرزانه شریفی (۱۳۹۱): شورایاری‌ها و کارآفرینی اجتماعی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، گزارش شماره ۱۸۲، بهمن.

یادداشت‌ها

¹ Democratic local governance

² Independed T Test